

بررسی معنایی، کاربردی و مصداقی جریان نفوذ فرهنگی در آئینه قرآن و سنت

معصومه شریفی^۱

محسن رفیعی^۲

هادی طحانزاده^۳

چکیده

مسئله نفوذ فرهنگی، از مسائلی است که به جهت تهدیدآمیز و ضدامنیتی بودن آن، از دیرباز مورد توجه بوده است. هدف اصلی از این پژوهش، شناخت معنای نفوذ فرهنگی دشمن، کاربرد و مصداق آن در قرآن کریم و سنت معصومین (ع) بوده است. پرسش اصلی این پژوهش، از این قرار بوده است: «قرآن و سنت، چه دیدگاهی درباره معنا، کاربرد و مصداق جریان نفوذ فرهنگی دشمن دارد؟». با توجه به رویکرد قرآنی و روایی این پژوهش، یافته‌ها نشان داد که اصطلاح «نفوذ» و «نفوذ فرهنگی» به طور مستقیم و عیناً در قرآن و سنت به کار نرفته است؛ اما معادل‌ها و مصداق این واژه‌ها، در آیات و روایات به کار رفته‌اند که بیشترین کاربرد آن‌ها مربوط به دشمنان خدا و اسلام (شیطان، منافقان، کفار، مشرکین و برخی اقوام زمان پیامبران گذشته) بوده است. بررسی ابزار و راه‌های نفوذ فرهنگی و راه کارهای مقابله با آن، از عهده این نوشتار خارج است و پژوهشی مستقل می‌طلبد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بوده که شیوه نگارش آن، توصیفی-گزارشی و تحلیلی بوده است. کلیدواژه‌ها: نفوذ، نفوذ فرهنگی، دشمن، قرآن، سنت

۱. استادیار، گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران

Dr_sharifi_masoomeh@yahoo.com / Dr.msharifi@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیت الله طالقانی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Dr_mohsen_rafeei@yahoo.com / Dr.rafeei@cfu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد احیاء، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیت الله طالقانی (ره)، قم، ایران

h.tahanzadeh@yahoo.com

۱. بیان مسئله

از آغاز آفرینش تا کنون، انسان از سوی برخی آسیب‌ها مورد تهدید بوده است که ازجمله بارزترین آن‌ها، دشمنی شیطان با انسان است. قرآن کریم، بارها این خطر بزرگ را به انسان گوشزد کرده و آن را دشمنی آشکار نامیده است؛ ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (یوسف: ۵) همچنین قرآن کریم، از دشمنی بعضی از انسان‌ها با بعضی دیگر، سخن به میان آورده است؛ ﴿بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾ (اعراف: ۲۴). بر اساس آیات قرآن، انسان اشرف مخلوقات است ﴿... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون: ۲۴) و (از سویی) فطرتاً موجودی خداجو و حق‌طلب؛ ﴿... فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم: ۳۰)، ﴿... وَ مَالِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (یس: ۲۲) و (از سوی دیگر) موجودی ناسپاس به خداوند، ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ (عادیات: ۶) آفریده شده است. این خصوصیات ویژه انسان، زمینه‌های طمع و دشمنی شیطان و انسان‌های شیطان‌صفت را با وی فراهم کرده؛ باعث شده تا همواره انسان، با مسئله دفاع در برابر دشمن و مبارزه با تهدیدات همیشگی دشمن، ازجمله «نفوذ»، دست‌به‌گریبان باشد.

مسئله نفوذ دشمن در جامعه اسلامی، به دلیل ماهیت کفرستیزی مکتب اسلام و مقابله با ظالمان، ازجمله مسائل درازدامنی است که از صدر اسلام، گریبان‌گیر مسلمانان بوده و همواره تهدیدی برای امت اسلامی به‌حساب آمده و هرگاه از سوی مسلمانان مورد غفلت قرارگرفته، آسیب‌ها و پیامدهای خطرناکی را به دنبال داشته است. تاریخچه صدر اسلام نشان می‌دهد، جریان نفوذ بسیار خزنده و خطرناک بوده و تا مغز استخوان حکومت اسلامی رسوخ کرده و تا جایگاه خلافت هم پیش رفته است. در عصر پیامبر (ص)، می‌توان از نفوذ یهودیان و منافقان در بین مسلمانان و ایجاد فتنه و اختلاف در جامعه نام برد که «ماجرای مسجد ضرار و قصه ابوعامر، (ر.ک: واحدی، ۱۴۱۹ ه.ق)؛ (طبرسی، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۵: ۱۱۱). مصداقی روشن است برای اثبات پدیده نفوذ در عصر پیامبر اعظم (ص)، که در آیه ۱۰۷ و ۱۱۰ سوره توبه به آن اشاره شده است» (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۲۷). پس‌از آن حضرت، این مسئله در دوران خلفا و همچنین در زمان حکومت امیر مؤمنان حضرت علی (ع) نیز ادامه داشته و ماجراهای تلخ ترور امامان معصوم (ع)، نشانگر خطرهای این نفوذ است.

در عصر ما و در جامعه اسلامی ایران نیز، خطر نفوذ دشمن در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی احساس می‌شود. این نفوذ، قصد دارد با تصرف در ادراک مردم و مسئولین و تغییر در نگرش و عملکرد ملت و دولت، اهداف شوم خود را در جهت جدایی میان ملت و دولت، عملیاتی نماید و به انقلاب ضربه بزند و درنهایت، به براندازی نظام، به شیوه نرم، دست یابد.

به‌یقین، قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) و سایر معصومین (ع)، مهم‌ترین منبع دریافت مفاهیم انسان‌شناسی و امور مربوط به انسان و شاخص‌میز حق از باطل و راستی از کژی و همچنین وسیله بیداری انسان و

حفظ وی از دشمنان درونی و بیرونی است. پناه بردن به قرآن و سنت و بهره‌برداری از معارف و احکام ناب آن، جامعه اسلامی را در برابر خطرات احتمالی از سوی دشمن، از جمله نفوذ فرهنگی؛ مصون می‌دارد. در این پژوهش برآنیم تا مسئله «نفوذ فرهنگی» را از منظر قرآن و سنت بررسی کنیم و بدانیم نفوذ چیست و نفوذ فرهنگی در جامعه اسلامی به چه معناست و کاربردها و مصادیق آن در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) چگونه است.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتاب‌خانه‌ای و با ابزار فیش بوده که شیوه نگارش آن، توصیفی-گزارشی و تحلیلی است.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه جنگ نرم از منظر قرآن و سنت، آثار فراوانی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقالات، نگاشته شده است؛ اما در خصوص موضوع «معناشناسی و کاربرد نفوذ فرهنگی» دشمن از دیدگاه قرآن و سنت، اثر مستقل و همانند پژوهش حاضر، به سامان نرسیده است. از آثار مرتبط با این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- قرآن و پدیده‌شناسی نفاق و نفوذ، (میرزائی، ۱۳۹۵)؛ این کتاب، بحث نفاق را از دیدگاه قرآن بررسی نموده است؛ اما به بحث نفوذ، تنها از منظر سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پرداخته است.

۲- راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن، (بابایی، محمدباقر)؛ مجله: سیاست دفاعی، بهار ۱۳۹۶، شماره ۹۸ علمی-پژوهشی/ISC (۲۷ صفحه، از ۱۶۳ تا ۱۸۹)؛ در این مقاله، تنها راهبردهای مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- نگاه قرآنی به «شایعه» و «شبهه»، دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه، (حسینی علی‌آباد، سید روح‌الله)؛ مجله: معرفت، تیر ۱۳۹۷، شماره ۲۴۷ علمی-ترویجی/ISC (۱۰ صفحه، از ۵۹ تا ۶۸)؛ در این پژوهش، «شایعه» و «شبهه»، به‌عنوان دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه، با نگاه قرآنی، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۴- واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن، (خاتمی سبزواری، سید جواد)؛ بقیعی، زهره؛ مجله: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، زمستان ۱۳۹۶، سال هفتم، شماره ۴ علمی-پژوهشی/ISC (۲۲ صفحه، از ۵۵۱ تا ۵۷۲)؛ مسئله نفوذ فرهنگی در این مقاله از منظر کلام مقام معظم رهبری و تنها با تکیه بر آیات قرآن کریم مورد تحقیق قرار گرفته است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳/۱. «نفوذ»

۳/۰/۱. معنای لغوی

«نفوذ» در لغت به معنای فرورفتن تیر در هدف، اثر کردن و تأثیر کردن است (معین، ۱۳۸۶)، ج ۲:

۱۹۶۱). در لغتنامه دهخدا، واژه «نفوذ» به معنای رسا و در گذرنده در هر کار، درگذشتن، گذشتن تیر از آنچه بدان آید و همچنین جاری شدن فرمان و نامه، اثر کردن، روانی و روایی (نفوذ کلام)، گذر و درگذشتگی در چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳: ۲۰۰۲۰). فرهنگ فارسی عمید نیز، معنای لغوی «نفوذ» را، فرورفتن تیر در نشانه و بیرون آمدن آن از طرف دیگر و اثر کردن و جاری بودن امر و حکم می‌داند (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۲۵). فرهنگ سخن، «نفوذ» را در لغت، فرورفتن به درون چیزی معمولاً بدون تغییر دادن ساختار آن و معنای مجازی آن را، راه یافتن به جایی یا در میان گروهی برای دستیابی به هدفی، بیان کرده است (انوری، ۱۳۸۶، ج ۸: ۷۹۰۲).

در اکثر کتب معتبر لغت عرب، ذیل ماده «نَفَذَ» آمده است: گذشتن و ورود به چیزی و خروج از آن؛ و وقتی می‌گویند «نَفَذْتُ» یعنی «جُزْتُ»: گذشتم، عبور کردم، رها شدم (فراهیدی، ۱۴۰۹ ه.ق)، ج ۸: ۱۸۹؛ ابن منظور، (۱۴۱۴)، ج ۳: ۴۱۵؛ زبیدی، (۱۳۰۶)، ج ۵: ۴۰۲). ابن فارس، واژه «نفوذ» را از ماده «نفذ» می‌داند که تنها یک معنا دارد و بر گذشتن در امری و غیر از آن دلالت می‌کند؛ مانند گذشتن تیر از هدف (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۵: ۴۵۸). فرهنگ الرائد نیز، ماده «نفذ» را فرورفتن چیزی در چیز دیگر و گذشتن از آن، انجام یافتن کار یا سخن و گذشتن از جماعتی و پشت سر گذاشتن آن‌ها معنا کرده است (انزایی نژاد، ۱۳۸۰: ۱۷۶۳).

در مفردات قرآن نیز، معنای واژه «نفوذ» این‌گونه بیان شده است: «نفوذ» و «نفاذ» مصدر ماده «ن.ف.ذ» است و به معنای گذشتن تیر از هدف و سوراخ کردن و همچنین به معنای جاری شدن حکم و فرمان است و در قرآن در آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن به معنای گذشتن از جو زمین و نفوذ به آسمان‌ها به کاررفته است (راغب، ۱۳۶۹، ج ۴: ۳۷۸).

علامه مصطفوی در التحقیق، این واژه را از ماده «ن.ف.ذ» دانسته و آن را ورود دقیق در چیزی از نظر مادی و عقلی معنا کرده است؛ نیز از مصادیق آن به نفوذ تیر در هدف و نفوذ در گروه و نفوذ حکم در امر، اشاره کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۹۲).

در قاموس قرآن نیز آمده است: «نفوذ و نفاذ به معنی سوراخ کردن و خارج شدن به آن طرف است؛ بنابراین در مصباح گفته: «نَفَذَ السَّهْمُ: خَرَقَ الرِّمِيَّةَ وَ خَرَجَ مِنْهَا» یعنی تیر هدف را سوراخ کرد و از آن طرف خارج گردید. «نفوذ امر»، مطاع بودن آن است؛ إنفاذ و تنفیذ امر، اجرا کردن آن است» (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۱).

۳/۰/۲. معنای اصطلاحی

نفوذ در اصطلاح، عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم، سبب تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸). در اصطلاح سیاسی، «نفوذ» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «نفوذ، شکلی

از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. نفوذ را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به‌موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آن‌ها نیست، عمل کنند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به کمک آن‌ها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند» (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴). در این تعریف که «نفوذ» را شکلی از «قدرت» می‌داند؛ به وجود ارتباط میان این دو مفهوم اشاره شده است. در تأیید این مطلب در جای دیگری آمده است: «قدرت با نفوذ رابطه تنگاتنگی دارد و از رهگذر تعریف قدرت می‌توان مفهوم نفوذ و جایگاه آن را درک کرد. قدرت را توانایی مدیریت بر ذهن‌ها و اعمال دیگران تعریف کرده‌اند. به تعبیری، قدرت توانایی تأثیرگذاری و تعیین رفتار دیگران است» (جمعی از نویسندگان، (بی‌تا): ۱۰).

بر پایه این تعاریف و با توجه به وجود ارتباط بین مفاهیم «قدرت» و «نفوذ» می‌توان گفت: نفوذ، شکلی ظریف و نامرئی از قدرت است که از طریق تسخیر و مهار دستگاه محاسباتی و نظام تصمیم‌گیری یک فرد، گروه، دولت و... اعمال می‌شود و آن مؤلفه‌ای که سبب عملیاتی شدن و عینیت یافتن قدرت می‌شود، «نفوذ» است. از این رو، تا نفوذی صورت نگیرد، قدرت عینیت نمی‌یابد و در نتیجه، تأثیرگذاری و تحقق اهداف نیز مختل خواهد شد؛ بنابراین، نفوذ جزئی از مفهوم قدرت و درواقع، پیش‌شرط و پیش‌زمینه اعمال قدرت محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، (بی‌تا): ۱۰-۱۱). همچنین می‌توان گفت: «مفهوم نفوذ، نتیجه فرایند قدرت نرم و جنگ نرم است که به اشکال گوناگون، نگرش‌ها، افکار و باورها را تغییر می‌دهد» (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۴۶).

فرهنگ علوم سیاسی نیز «نفوذ» را به معنای «رخنه»^۱ آورده است: «فرستادن گروه‌های کوچک یا افراد، از طریق شکاف‌ها یا رخنه‌های خطوط و مواضع، به اردوی دشمن؛ رخنه یک نیروی سیاسی در حوزه نفوذ دشمن یا رقیب» (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۶: ۳۱۳).

مقوله «نفوذ» - در عرف سیاسی - به معنای «ورود و تخریب» نیز است و با این فرض که تخریب بخشی از هدف و یا نتیجه قطعی نفوذ است؛ پیوستگی میان «تخریب» با مسئله «نفوذ» قطعی خواهد بود (زارعی، ۱۳۹۵، بزنگاه‌های نفوذ).

از دیدگاه امام خمینی (ره) «نفوذ» به‌عنوان آخرین مرحله مقابله استکبار با نظام اسلامی است و هدف از آن نیز بیان حرف‌های استکبار از دهان ساده‌اندیشانِ موجه است (ر.ک: آخرین پیام امام خمینی (ره) به مردم. فروردین ۱۳۶۸).

از منظر امام خامنه‌ای (مدضله‌العالی) مسئله بسیار مهم «نفوذ» به این معناست که فکر و اراده مسئولین، بدون دخالت مستقیم، در دست دشمن قرار گیرد و مسئول کشور همان تصمیمی را بگیرد که دشمن می‌خواهد. از نظر ایشان تغییر در باورهای مردم نیز بُعد دیگر نفوذ است (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب در

دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

برخی، بر این باورند که «درمجموع، نفوذ از لحاظ لغوی و تحلیلی، معنای اثرگذاری دارد و شکلی از قدرت است که طی فرایندی، رفتار دیگران، اعم از فرد، گروه، جامعه و دولت، را تغییر یا تحت تأثیر قرار می‌دهد» (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۳۶).

۳/۰/۳. تعریف عملیاتی

با توجه به آنچه بیان شد، «نفوذ» را این گونه می‌توان تعریف کرد: تأثیرگذاری دشمن در اراده، طرز تفکر و عملکرد مسئولین و آحاد جامعه و پیشبرد اهداف خصمانه خود به شکل نامحسوس؛ بدون درگیری مستقیم.

۱/۳. نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی - همان گونه که از اسم آن مشخص است- با فرهنگ جامعه سروکار دارد و به دنبال تأثیر و ایجاد تغییر در فرهنگ ملی- مذهبی یک جامعه است. برخی بر این باورند که: «تصرف دشمن در ادراک فرهنگی مردم را نفوذ فرهنگی می‌نامند» (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۱۶). در کتاب موج چهارم جنگ نرم، پدیده نفوذ به دو وجه نرم و وجه فیزیکی، تقسیم شده است و وجه نرم آن، همان نفوذ فرهنگی نامیده شده است: «وجه نرم نفوذ، تأثیر بر نگرش‌ها، باورها، عواطف، انتظارات و ترجیحات و الگوهای رفتاری بازیگر هدف است؛ به گونه‌ای که بازیگر هدف، به صورت دلخواه یا اجباری، در چهارچوب اهداف و منافع بازیگر نفوذگر عمل می‌کند. درواقع آنچه در این وجه از فرایند نفوذ روی می‌دهد، رخنه و نفوذ فرهنگی است» (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۴۰).

«نفوذ فرهنگی» از دیدگاه امام خامنه‌ای از همه ابعاد نفوذ دشمن مهم‌تر است. ایشان این گونه به تبیین این واژه می‌پردازد: «... و مهم‌تر از همه، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند؛ خدشه در آن وارد کند؛ اختلال و رخنه در آن‌ها به وجود بیاورد. میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است» (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

بنابراین، منظور از «نفوذ فرهنگی» (در این پژوهش) از این قرار است: تصرف دشمن در ادراک فرهنگی مردم و مسئولان و تلاش برای دگرگونی و تغییر باورهای فرهنگی و اعتقادات جامعه اسلامی ایران.

۴. کاربردهای قرآنی و روایی «نفوذ» و «نفوذ فرهنگی»

پس از بررسی مفهومی، اکنون به کاربردهای مستقیم و غیرمستقیم واژه «نفوذ» و همچنین مصادیق «نفوذ فرهنگی دشمن در جامعه اسلامی» در قرآن و سنت، می‌پردازیم.

۴/۱. کاربرد مستقیم

۴/۱/۱. در قرآن

عین کلمه «نفوذ» در قرآن به کار نرفته است؛ اما از ماده «ن.ف.ذ» سه فعل وجود دارد. آقای قرشی در قاموس قرآن ذیل ماده «ن.ف.ذ» و با اشاره به آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعُمُ أَنْ تُغْنُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ می نویسد: «این کلمه فقط سه بار در کلام الله آمده آن هم در یک آیه. معنی آیه چنین است: ای جماعت جن و انس اگر می توانید از اطراف آسمان ها و زمین خارج شوید، خارج شوید؛ نمی توانید خارج شوید مگر به تسلط و قدرتی» (قریشی، (۱۳۷۱)، ج ۷: ۹۱). علامه طباطبائی با توجه به سیاق این آیه، آن را از خطاب های روز قیامت می داند و معتقد است مراد از نفوذ از اقطار آسمان ها، فرار از کرانه های محشر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۷۸).

از بررسی کتب لغت قرآنی مشخص می شود؛ واژه «نفوذ» که مصدر ماده «ن.ف.ذ» است به شکل مصدری در قرآن به کار نرفته است، اما به صورت «فعل» سه مرتبه آن هم در یک آیه - آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن. آمده است که معنای آن، همان معنای لغوی و عمومی واژه «نفوذ» یعنی سوراخ کردن چیزی و خارج شدن از آن است؛ بنابراین، این واژه به معنای خاص «نفوذ فرهنگی دشمن» و یا حتی به معنای عام تر آن، یعنی «نفوذ دشمن»، به گونه مستقیم در قرآن به کار نرفته است.

۴/۱/۲. در سنت

در برخی روایات (مجلسی، (۱۴۰۳ ه.ق)، ج ۲۸: ۱۹۵-۱۹۶؛ ج ۳۲: ۱۰۲؛ ج ۲۲: ۴۶۹؛ ج ۳۰: ۴۳۰؛ کلینی، (۱۴۰۷ ه.ق)، ج ۷: ۳۴۰؛ طوسی، (۱۴۰۷ ه.ق)، ج ۱۰، ۳۰۶؛ طوسی، (۱۳۹۰ ه.ق) ج ۴: ۱۱۳)، مشتقات ماده «ن.ف.ذ» به معنایی: ورود دقیق در چیزی، اجرای فرمان، تأثیر و فرورفتن در چیزی، به کاررفته است. همچنین در نهج البلاغه شریف، مشتقات این ماده در برخی خطبه های امیرالمؤمنین (ع) در معنای لغوی آن که عبارتند از: «اجرای فرمان»، «نگاه دقیق»، «ورود و رسوخ» و «گذرگاه» به کاررفته است (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۸۳: ۹۲؛ ص ۹۴؛ ص ۹۶؛ خطبه ۷۲: ۸۶؛ خطبه ۱۶: ۴۰).

با نگاهی به کتب معتبر حاوی احادیث و روایات معصومین (ع) از جمله کتب اربعه، بحارالانوار علامه مجلسی، نهج البلاغه شریف و کتب لغت حدیث، مشخص شد که اصطلاح «نفوذ» در سنت نیز مانند قرآن، به طور مستقیم و به معنای «نفوذ و رخنه دشمن» به کار نرفته است؛ اما مشتقات ماده «ن.ف.ذ» از جمله «نُفُذ»، «تَنْفِذ»، «أَنْفُذُوا»، «تَنْفُذُوا»، «يُنْفِذُوا»، «مَنْفَذَ»، «نَفَذَ» و «نَفَاز»، در برخی احادیث و به همان معنای لغوی و عام آن به کاررفته است.

۲/۴. کاربرد غیرمستقیم

مفهوم «نفوذ» به کل غیرمستقیم و با تعابیری دیگر، در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به کاررفته است که به آن می‌پردازیم.

۴/۲/۱. در قرآن

همان‌گونه که اشاره شد، اصطلاح «نفوذ دشمن» به‌طور مستقیم در قرآن به کار نرفته است؛ اما به شکل غیرمستقیم، مفهوم «نفوذ دشمن» در زمینه‌های گوناگون (از جمله فرهنگی) از برخی آیات و روایات، توسط مفسران و قرآن‌پژوهان، برداشت شده است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود.

۴/۲/۱/۱. سَمَاعُونَ

در آیه ۴۷ سوره توبه، با تعابیر «لَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ» و «سَمَاعُونَ» که به ویژگی‌های منافقان اشاره دارند، نسبت به مسئله نفوذ در میان مسلمانان و جاسوسی آن‌ها، هشدار داده شده است: ﴿لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ یُغْوُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِیْكُمْ سَمَاعُونَ هُمْ وَاللَّهُ عَلِیْمٌ بِالظَّالِمِینَ﴾: «اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی‌افزودند و به سرعت خود را میان شما می‌انداختند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند و در میان شما جاسوسانی دارند [که] به نفع آنان [اقدام می‌کنند] و خدا به [حال] ستمکاران داناست».

مفردات راغب در خصوص معنای لغوی و توضیح این دو لغت می‌نویسد: «معنی وَضَعَ، درحرکت حیوان استعاره است، مثل عبارت (أَلْقَى بَاعَهُ وَثِقْلَهُ)؛ یعنی بار و سنگینی خود را زمین نهاد (راغب، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۶۴)» و «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ، ۴۱: مائده) یعنی سخنانی را که از تو می‌شنوند نه برای ایمان و تصدیق است؛ بلکه به خاطر این که آن‌ها را تکذیب کنند و دروغ پندارند؛ و آیه (سَمَاعُونَ لَقَوْمٌ آخِرِینَ، ۴۱: مائده) یعنی به خاطر موقعیت دیگران، سخن آن‌ها را می‌شنوند» (همان، ج ۲: ۲۵۹).

در تفسیر نمونه آمده است: ««أَوْضَعُوا» از ماده «إِضَاع» به معنی سرعت درحرکت است و در اینجا به معنی تسریع در نفوذ میان سپاه اسلام آمده و «فتنه» در اینجا به معنی تفرقه و اختلاف کلمه است. سپس به مسلمانان اخطار می‌کند که مراقب باشید، افراد ضعیف‌الایمانی در گوشه و کنار جمعیت شما وجود دارند که زود تحت تأثیر سخنان این گروه منافق قرار می‌گیرند؛ ﴿وَ فِیْكُمْ سَمَاعُونَ هُمْ﴾. «سَمَاع» به معنی کسی است که حال پذیرش و شنوایی او زیاد است و بدون مطالعه و دقت هر سخنی را باور می‌کند؛ بنابراین وظیفه مسلمانان قوی‌الایمان آن است که مراقب این گروه ضعیف باشند مبادا طعمه منافقان گرگ‌صفت شوند. این احتمال نیز وجود دارد که «سَمَاع» به معنی جاسوس و سخن‌چین بوده باشد؛ یعنی در میان شما پاره‌ای از افراد هستند که برای گروه منافقان جاسوسی می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۳۴).

در قاموس قرآن نیز آمده است: «سَمَاع: مبالغه است ﴿وَمِنَ الَّذِینَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لَقَوْمٌ

آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ... ﴿مائده: ۴۱﴾ یعنی بسیار گوش گیر و گوش فراداده‌اند برای اینکه بشنوند و درباره تو دروغ گویند و گوش گیر و جاسوسند برای قوم دیگر که پیش تو نیامده‌اند (می‌خواهند کلام تو را به آن‌ها برسانند)» (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۲۴).

بنابراین می‌توان گفت کاربرد اصطلاحات «سَمَاع، سَمَاعُون و اِيضَاع» در قرآن، اشاره‌ای غیرمستقیم به شیوه‌های نفوذ دشمن در جامعه اسلامی است.

۴/۲/۱/۲. وَقَبَ / نَفَاثَات

یکی دیگر از کاربردهای غیرمستقیم نفوذ در قرآن را می‌توان در دو آیه ۳ و ۴ سوره فلق در تعبیر «إِذَا وَقَبَ» و «نَفَاثَات» مشاهده کرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)﴾: «و از شر هر موجود مزاحمی هنگامی که وارد می‌شود؛ و از شر آن‌ها که در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند)». راغب در معنای «وَقَب» می‌نویسد «روزنه و سوراخ کردن چیزی» (راغب، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۷۴) و در المیزان آمده است: «کلمه «وقوب» که مصدر فعل ماضی «وَقَبَ» است، به معنای داخل شدن است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۸۰)؛ مجمع‌البیان در معنای «نَفَاثَات» می‌نویسد: «نَفَاثَات، زنانی هستند که افکار و آرای مردان را زده و آن‌ها را از اهدافشان منصرف و به اندیشه‌ها و آرای خودشان برمی‌گردانیدند؛ برای اینکه از عزم و رأی تعبیر به عقده و گره و از گشودن آن به نفث و دمیدن می‌کردند و عادت جاری شده بود که هر که در عقد و گره دمیده، باید خود او آن را بگشاید» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۷: ۳۸۴). با توجه به این معانی، به نظر می‌رسد تعبیر «إِذَا وَقَبَ» و «نَفَاثَات» اشاره به نوعی نفوذ دارند.

در تفسیر نمونه هم آمده است: «جمعی تعبیر «نَفَاثَات» را اشاره به زنان وسوسه‌گر می‌دانند که پی‌درپی در گوش مردان، مخصوصاً همسران خود، مطالبی را فرو می‌خوانند تا عزم آهنین آن‌ها را در انجام کارهای مثبت سست کنند. یکی از مهم‌ترین وسایل نفوذ جاسوس‌ها در سیاستمداران جهان که در عصر و زمان ما از هر وقت ظاهرتر است استفاده از زنان جاسوس است که با این «نَفَاثَات فی الْعُقَد» قفل‌های صندوق‌های اسرار را می‌گشایند و از مرموزترین مسائل باخبر می‌شوند و آن را در اختیار دشمن قرار می‌دهند. «نَفَاثَات» را به «نفوس شریره» یا «جماعت‌های وسوسه‌گر» هم تفسیر کرده‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۴۶۰-۴۶۱).

در تصدیق این برداشت مفسران در خصوص اشاره «نَفَاثَات» به نقش زنان در جاسوسی و نفوذ در افکار مردان و به‌ویژه سیاستمداران جهان، مصادیق زیادی در جهان امروز و در رابطه با سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا شناخته و فاش شده است. «یکی از وسایلی که سازمان صهیونیستی (موساد) در تحقق مقاصد خویش مورداستفاده قرار می‌دهد، عنصر زن است. موساد از این ابزار در تسلط بر سیاستمداران و اعمال نفوذ در تصمیمات ارباب قدرت، به فراوانی بهره می‌گیرد. این سازمان، با آموزش و به‌کارگیری

زیباترین دختران و زنان یهودی یا زنان مزدور غیر یهودی، نسبت به تخلیه اطلاعاتی رجال سیاسی، نظامی، علمی و اقتصادی جهان و سرقت اسناد و مدارک سری از سازمان‌های نظامی و استراتژیک در سراسر دنیا، اقدام می‌کند. این شیوه از سوی یهودیان، از دیرترین روزگاران مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (ساقی، ۱۳۹۸، گفتار سوم: ۱۰).

القای انحراف و گمراه‌سازی- که نوعی نفوذ محسوب می‌گردد- برداشت دیگری از این آیه است. علامه مصطفوی در التحقیق، باب حرف النون معتقد است، مراد از «نفاثات» در آیه ۴ سوره فلق، نفوسی هستند که تلاش می‌کنند مشکلات مردم را تشدید کنند و گره کارهایشان را محکم‌تر کنند و انحراف و گمراهی را در امور مادی و معنوی به آن‌ها القاء کنند و «نَفَثَ» ممکن است عملی، قولی و یا به شکل القاء فکری باشد (مصطفوی، (۱۳۶۸): ۲۰۵).

شیطان. ۴/۲/۱/۳

اما بیشترین کاربرد غیرمستقیم «نفوذ» در قرآن کریم، در آیات مربوط به شیطان است. مسئله دشمنی شیطان با انسان، از مسائل مهم و مورد تأکید در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) است؛ زیرا شیطان پس از رانده شدن از درگاه الهی سوگند یادکرد که انسان‌ها را از راه مستقیم هدایت، منحرف و گمراه خواهد ساخت: ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾: «[شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم» (ص: ۸۲). خداوند متعال در مورد دشمنی آشکار شیطان با انسان، پیشاپیش به حضرت آدم و حوا هشدار و تذکر داده است. از جمله در آیه ۱۱۷ سوره مبارکه طه می‌فرماید: ﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوِجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾: «پس گفتیم: ای آدم، در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است، زهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردی». همچنین در بخشی از آیه ۲۲ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: ﴿... وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ أَفَلَا لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾: «... و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد: مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است».

علامه جوادی آملی، در تعبیری زیبا در تفسیر تسنیم، دشمنی شیطان را در قالب چهار کلمه مشابه، این‌گونه بیان می‌کند: «... قرآن کریم که همه منازل سقوط و صعود را اجمالاً گوشزد می‌کند با تعبیرهای گونه‌گون از عداوت شیطان نسبت به انسان گزارش می‌دهد. مثلاً در برابر کمال استواری و پایداری انسان دسیسه «ازلال» و لغزاندن ابلیس را طرح می‌کند و در ساحت عزت و سربلندی انسان در پرتو ایمان، حیلۀ «اذلال» و فرومایه کردن شیطان را بازگو می‌کند و در صحنه هدایت و رهایی درست انسان، کینه «إضلال» و گمراه کردن ابلیس را گوشزد می‌کند و در فضای روشن و نورانی انسان پارسا و پرهیزکار، بهانه «إظلال» و به سایه آوردن شیطان را اشاره می‌کند، تا پس از بیرون آمدن از قلمرو نور و وقوع در منطقه

ظِلّ و سایه، زمینه خروج از آن و افتادن در تیه ظلمت فراهم گردد؛ زیرا بیرون آوردن از نور به ظلمت به آسانی میسر او نیست. از این رو می‌کوشد، وقوع در ظلّ و سایه را سر پل انتقال از نور به ظلمت قرار دهد؛ یعنی اِظلال را زمینه اِظلام می‌سازد...» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲۰: ۳۹۰).

نفوذ شیطان در انسان از طرق گوناگونی صورت می‌گیرد که در آیات فراوانی از قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است. دو مورد مهم از آن راه‌ها بدین قرار است که به دلیل پرهیز از آسیب خروج موضوعی، گذرا اشاره می‌گردد:

(۱) خطوات شیطان (بقره: ۲۰۸، ۱۶۸؛ انعام: ۱۴۲ و نور: ۲۱) (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۴، ح ۱۵۰؛ سیوطی، (۱۴۰۴ ق)، ج ۱: ۱۶۷؛ مکارم شیرازی، (۱۳۷۱)، ج ۲: ۸۳؛ قرائتی، (۱۳۸۸)، ج ۶: ۱۶۰؛ قرشی، (۱۳۷۵)، ج ۷: ۱۹۰؛ راغب، (۱۳۶۹)، ج ۱: ۶۱۵).

(۲) وسوسه‌های شیطان/ القای وسوسه‌های شیطان (اعراف: ۲۰؛ طه: ۱۲۰؛ ق: ۱۶ و ناس: ۵) (راغب، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۵۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۹۴-۳۹۸).

در بیان ویژگی وسوسه‌گری شیطان و تحریک انسان و به دنبال آن فریب و دعوت وی به گناه و انحراف، تعبیر گوناگونی به کار رفته است که می‌توان آن‌ها را معادل واژه «نفوذ» محسوب نمود. برخی از اهم این واژه‌ها - که در پژوهش‌های مستقل قابل بررسی است - عبارت هستند از: «نَزَغَ» (فصلت: ۳۶)، «إِغْوَاء» (حجر: ۳۹)، «ضَلَّ» (نساء: ۱۱۹)، «زَلَّ» (بقره: ۳۶)، «إِسْتَفْزَا» (اسراء: ۶۴)، «زَيَّنَ» (نحل: ۶۴)، «تَسْوِيلَ» (إملاء: ۲۵)، «يَعْلَهُمْ وَيُمْنِيَهُمْ» (نساء: ۱۲۰) و «هَمَزَات» (مؤمنون: ۹۷).

۴/۲/۲. در سنت

معادل‌های واژه «نفوذ» در روایاتی که خصوصاً به شیطان مربوط است نیز، دیده می‌شوند. امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در بخشی از خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه که معروف به خطبه «قاصعه» است با عنوان «التحذیر من الشیطان» با اشاره به آیه ۳۹ سوره مبارکه حجر ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ گفت: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرامم و همه را گمراه خواهم ساخت.»، مسئله دشمنی سرسختانه شیطان با انسان را به طور مفصل بیان فرموده‌اند و انسان را از انواع نیرنگ‌ها و طرق نفوذ شیطان از جمله ایجاد نخوت و غرور، وسوسه، زیبا جلوه‌دادن اعمال و غافل کردن از توبه؛ بر حذر می‌دارند (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۷۰-۲۸۶).

۴/۲/۲/۱. فَرَّخَ

در خطبه هفتم، تعبیر «فَرَّخَ» به معنای تخم گذاشتن شیطان در دل انسان، معادل «نفوذ» شیطان در دل‌ها است: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِمَرْيَمَ مَلَكًا وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكَ فَبَاضَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَتَنَزَّرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَكَبَّ بِهْمُ الزَّلَّلُ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ فَعَلَ مَنْ قَدْ شَرِكُهُ الشَّيْطَانُ

فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ. منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرارداد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. پس با یاری آن‌ها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید» (همان: ۳۴).

۴/۲/۲/۲. دَخَلَ

واژه «دَخَلَ» نیز در خطبه ۱۲۲ معادل واژه «نفوذ» به کاررفته است: «وَلَكِنَّا إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نُقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الرِّبِّغِ وَالْإِعْوَاجِ وَالشُّبْهَةِ وَالتَّأْوِيلِ فَإِذَا طَمَعْنَا فِي خَصْلَةٍ يَلُمُّ اللَّهُ بِهَا شَعْنًا وَنَتَدَانِي بِهَا إِلَى الْبَقِيَّةِ فِيمَا بَيْنَنَا رَغْبًا فِيهَا وَآمَسَكْنَا عَمَّا سَوَاهَا: امّا امروز با پیدایش زنگارها در دین، کژی‌ها و نفوذ شبهه‌ها در افکار، تفسیر و تأویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم، پس هرگاه احساس می‌کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیله آن با یکدیگر نزدیک می‌شویم و شکاف‌ها را پر و باقی‌مانده پیوندها را محکم می‌کنیم، به آن تمایل نشان می‌دهیم، آن را گرفته و دیگر راه را ترک می‌گوییم» (همان: ۱۶۴).

۴/۲/۲/۳. نَفَثَ

از معادل‌های دیگر، واژه «نَفَثَ» است که علاوه بر قرآن کریم (ر.ک: فلق: ۴) در برخی احادیث نیز، به مفهوم «نفوذ» به کاررفته است. البته واژه «نَفَثَ» هم به معنای منفی نفوذ و هم به معنای مثبت آن، یعنی افکندن یا القاء چیزی به دل انسان، به کاررفته است. در نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱ هست که امام (ع) به آن شخص فرمود: «فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ». شیطان بر زبان تو دمید که این سخن گفتمی و در خطبه ۸۱ فرموده: شما را بر حذر می‌دارم از دشمنی که (شیطان) به طور مخفی در سینه‌ها نفوذ کرده و «نَفَثَ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا» در گوش‌ها نجواکنان دمیده است. از امام صادق (ع) نقل شده «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لِقَلْبِهِ أَذُنَانِ فِي جَوْفِهِ أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهِ الْوَسْوَاسُ الْخَنَّاسُ وَ أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْمَلِكُ فَيُؤَيِّدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِذَلِكَ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ أَيْدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ». در این حدیث نیز نفث بی معنی دمیدن است؛ دمیدن معنوی. نیز در روایت آمده که رسول (ص) فرموده: «أَلَا وَ إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي: همانا جبرئیل در دلم افکند که...» (قرشی بنابی، (۱۳۷۱)، ج ۷: ۸۸).

۵. مصادیق «نفوذ فرهنگی» در قرآن و سنت

در قرآن کریم و سنت معصومین (ع)، مصادیق «نفوذ فرهنگی دشمن» را می‌توان در آیات و روایات مربوط به داستان قوم برخی از پیامبران و همچنین در رفتار و گفتار منافقان، کفار اهل کتاب (یهود) و کفار مشرک و بت‌پرست، مورد بررسی قرارداد و سپس آن را به مسئله نفوذ فرهنگی تمام دشمنان اسلام (اعم از دشمنان

داخلی و خارجی، دیروزی و امروزی و ...) در جامعه اسلامی، تعمیم داد.

۵/۱. نفوذ فرهنگی اشراف در قوم حضرت نوح (ع)

یکی از حربه‌های دشمن برای نفوذ و تسلط بر جامعه، همت زدن و تخریب رهبری و نخبگان جامعه است که مصداق آن در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه مؤمنون آمده است. آنجا که اشراف قوم، در پاسخ به دعوت مردم به یکتاپرستی از سوی حضرت نوح، شروع به تخریب شخصیت وی نمودند و نه تنها وی را انسانی عادی و مانند خودشان معرفی کردند بلکه همت برتری جویی و جنون نیز به ایشان وارد ساختند، تا از این طریق در فکر و اراده مردم نفوذ کرده و آنان را از ایمان به پیامبرشان بازدارند: ﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴) إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ﴾: «و اشراف قومش که کافر بودند گفتند: این [مرد] جز بشری چون شما نیست، می‌خواهد بر شما برتری جوید و اگر خدا می‌خواست قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد. [ما] در میان پدران نخستین خود، چنین [چیزی] نشنیده‌ایم. (۲۴) او نیست جز مردی که در وی [حال] جنون است، پس تا چندی درباره‌اش دست نگاه دارید».

المیزان در تفسیر این آیه می‌نویسد: «سیاق دلالت می‌کند بر اینکه ملأ و بزرگان قوم نوح، مطالب این دو آیه را در خطاب به عموم مردم می‌گفته‌اند تا همه را از نوح روی گردان نموده؛ علیه او تحریک و بر آزار و اذیت تشویق کنند تا شاید به این وسیله ساکتش سازند» (طباطبایی، (۱۳۴۶)، ج ۱۵: ۳۸).

۲/۵. نفوذ فرهنگی سامری در قوم حضرت موسی (ع)

ماجرای سامری و گوساله‌پرستی قوم بنی اسرائیل در زمان غیبت حضرت موسی (ع) و حرکت ایشان به سوی میقات، از مصادیق نفوذ فرهنگی دشمن در جامعه است که در تعدادی از سوره‌های قرآن کریم به آن اشاره شده است. از جمله در آیه ۸۵ سوره مبارکه طه، خداوند متعال به حضرت موسی (ع)، گمراه شدن قومش توسط سامری را خبر می‌دهد و خطاب به وی می‌فرماید: ﴿قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾: «فرمود: در حقیقت، ما قوم تو را پس از [عزیمت] تو آزمودیم و سامری آن‌ها را گمراه ساخت». همان گونه که در این آیه شریفه اشاره شد، سامری به عنوان یک عامل نفوذی توانست با سوءاستفاده از غیبت حضرت موسی (ع) و با نیزنگ و وسوسه، قوم بنی اسرائیل را از آیین توحیدی به بت‌پرستی و گوساله‌پرستی منحرف کند. در تفسیر نمونه، درباره سامری و اقدام وی آمده است: «سامری مرد خودخواه و منحرف و درعین حال باهوشی بود که با جرئت و مهارت مخصوصی، با استفاده از نقاط ضعف بنی اسرائیل توانست چنان فتنه عظیمی که سبب گرایش اکثریت قاطع به بت‌پرستی بود ایجاد کند» (مکارم شیرازی، (۱۳۷۱)، ج ۱۳: ۲۹۲).

۵/۳. نفوذ فرهنگی منافقان

منافقان (از صدر اسلام تاکنون) از خطرناک‌ترین دشمنان مسلمانان، بوده و هستند. پیشینه مسئله نفاق و دشمنی منافقان با اسلام و نفوذ آنان در جامعه اسلامی، به صدر اسلام و به زمان هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه برمی‌گردد؛ زیرا دشمنان سرسخت اسلام، پس از پیروزی و قدرت گرفتن اسلام در مدینه، به دلیل ضعف و ناتوانی و عدم اظهار مخالفت و مبارزه علنی، به صورت عوامل نفوذی در لباس دوستان جلوه‌گر شدند و به ظاهر به صفوف مسلمانان پیوستند، اما در خفا به اعمال خود ادامه می‌دادند (همان، ج ۲۴: ۱۴۷). برخی از ویژگی‌های منافقان - که مصداقی از «نفوذ» است - بدین قرار است:

- ۱) خدعه و نیرنگ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۷۷؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۸).
- ۲) ظاهر فریبی و جذابیت در سخن (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۲۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۵۳؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۵۲).

۵/۴. نفوذ فرهنگی کفار

کافران برای نفوذ در اسلام و نابودی آن، تلاشی مداوم و پیوسته دارند. خداوند متعال در بخشی از آیه ۲۱۷ سوره مبارکه بقره، درباره دشمنی مشرکان می‌فرماید: «... وَ لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»... و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دینتان برگردانند». در تفسیر این آیه آمده است: «ماده و هیئت «لا یزالون» بر استمرار دلالت می‌کند و آیه بدین معناست که آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا شما را از دینتان برگردانند. تلاش آنان تنها تهاجم فرهنگی نیست. این تلاش فرهنگی و جنگی به مشرکان اختصاص ندارد، بلکه اهل کتاب نیز چنین‌اند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا» بقره: ۱۰۹؛ «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ» آل عمران: ۶۹؛ «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» بقره: ۱۲۰» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱) ج ۲۱: ۵۸۹).

مسئله نفوذ کافران. در دو گروه اهل بیت و مشرک، قابل بررسی است.

۵/۴/۱. کفار اهل کتاب (یهودیان)

یکی دیگر از دشمنان سرسخت اسلام و مسلمین که در کنار منافقان و همراه با آنان به دنبال ضربه‌زدن به نظام اسلامی بودند، قوم یهود بوده و هستند؛ تا آنجا که خداوند متعال در آیات متعددی (مجادله: ۱۴، مائده: ۶۰، بقره: ۹۰) از آنها به عنوان قوم مغضوب خود یاد کرده و مؤمنان را از دوستی با آنها نفی فرموده است. از جمله در آیه ۱۳ سوره مبارکه ممتحنه خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید

کرده‌اند، همان‌گونه که کافرانِ اهل گور قطع امید نموده‌اند».

قوم یهود (به استناد آیات متعدد قرآن کریم) از ویژگی‌های منفی فراوان برخوردارند (رفیعی، شریفی، رفیعی، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۱۹۱)؛ دشمنی سرسخت با اسلام و نمادهای آن داشته‌اند که یکی از این نمادها، حضرت جبرئیل است؛ زیرا وی را متهم به تغییر نبوت از بنی‌اسرائیل به بنی‌اسماعیل می‌دانند (رفیعی، شریفی، رفیعی، ۱۳۹۹: ۱۸۵-۲۰۶). واقعیت، این است که «یهود و مشرکین در طول تاریخ، همیشه در مقابل جبهه حق (به سرپرستی انبیا و اولیای الهی) قرار داشته‌اند. در صدر اسلام سرسخت‌ترین دشمنان اسلام، یهودیان بوده‌اند که پس از آن نیز به دشمنی خود ادامه داده‌اند و در عصر کنونی صهیونیسم بین‌الملل - که برخاسته از تفکر افراطی یهودیت است - بزرگ‌ترین دشمن اسلام محسوب می‌شوند» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳: ۴۰). «آنان دشمنان خطرناکی هستند که قصد دارند با از میان بردن آداب و ارزش‌های اسلام، بار دیگر، مسلمانان را به سمت کفر و شرک بکشانند و با استفاده از تهاجم تبلیغاتی، چهره زشت و ماهیت پلید اشغالگران را در نزد افکار عمومی جهان زیبا جلوه دهند و برعکس، برای نازیبا جلوه دادن اعراب و مسلمانان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند» (جمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۴).

با توجه به اهمیت مسئله دشمنی قوم یهود با اسلام، در قرآن کریم آیات متعددی درباره این دشمنی و توطئه‌های یهودیان و همکاری آنان با منافقان، آمده است که با نگاهی به این آیات می‌توان به مسئله نفوذ یهودیان در جامعه اسلامی و آشکال و مصادیق آن، از منظر قرآن پی برد. نفوذ فرهنگی قوم یهود در میان مسلمانان، معمولاً به این شیوه‌ها بوده است:

۱) شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۹۵-۳۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۴۲۹؛ فرائی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۴۷).

۲) تظاهر به ایمان و تبانی با دشمن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۱۴).

۳) اظهار دوستی و محرم اسرار شدن (طبرسی، بی‌تا)، ج ۴: ۲۱۹؛ راغب، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۸۳-۲۸۴ و ۵۷۹).

۵/۴/۲. کفار مشرک و بت‌پرست

کفار مشرک، همان مشرکین و بت‌پرستان مکه بودند که حاضر نشدند تسلیم دین توحیدی اسلام شوند و به پیامبر اعظم (ص) ایمان بیاورند؛ از این‌رو همواره به فکر جنگ و توطئه علیه مسلمانان و آزار و اذیت آنان بودند. آیات بسیاری در قرآن در نکوهش مشرکان و خلود آن‌ها در آتش جهنم وجود دارد. از جمله در آیه ۶ سورة بینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾: کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می‌مانند؛ اینانند که بدترین آفریدگانند. درباره تعبیر «أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ» در تفسیر نمونه آمده

است: «تعبیر تکان دهنده‌ای است که نشان می‌دهد در میان تمام جنبندگان و غیر جنبندگان موجودی مطرودتر از کسانانی که بعد از وضوح حق و اتمام حجت، راه راست را رها کرده، در ضلالت گام می‌نهند یافت نمی‌شود و این در حقیقت شبیه چیزی است که در آیه ۲۲ سوره انفال آمده است: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ﴾: «بدترین جنبندگان نزد خداوند افرادی هستند که نه گوش شنوا دارند و نه زبان گویا و نه اندیشه بیدار» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۲۰۷).

ازجمله مصادیق نفوذ فرهنگی مشرکین، فتنه‌انگیزی است. فتنه‌انگیزی از شگردهای مشترک تمام دشمنان اسلام ازجمله مشرکین بوده است که از این طریق، سعی در فریب مؤمنان و نفوذ در میان آنان را داشتند (طبرسی، (بی‌تا)، ج ۱۰: ۲۱۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۰۶-۶۲۵).

۶. نتیجه پژوهش

از بررسی کتب لغت قرآنی مشخص شد؛ واژه «نفوذ» که مصدر ماده «ن.ف.ذ» است به شکل مصدری در قرآن به کار نرفته است، اما به صورت «فعل» سه مرتبه آن هم در یک آیه - آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن - آمده است که معنای آن، همان معنای لغوی و عمومی واژه «نفوذ» یعنی سوراخ کردن چیزی و خارج شدن از آن است؛ بنابراین این واژه به معنای خاص «نفوذ فرهنگی دشمن» و یا حتی به معنای عام‌تر آن، یعنی «نفوذ دشمن»، در قرآن به کار نرفته است. همچنین با نگاهی به کتب معتبر حاوی روایات معصومین (ع) ازجمله کتب اربعه، بحارالانوار علامه مجلسی، نهج‌البلاغه شریف و کتب لغت حدیث مشخص شد؛ اصطلاح «نفوذ» در سنت نیز مانند قرآن، به طور مستقیم و به معنای «نفوذ و رخنه دشمن» به کار نرفته است؛ اما مشتقات ماده «ن.ف.ذ» ازجمله «نُفُوذ»، «تَنْفِیْذ»، «أَنْفَذُوا»، «تُنْفَذُوا»، «يُنْفَذُوا»، «مَنْفَذ»، «نَفَذَ» و «نَفَذَ»، در برخی احادیث و به همان معنای لغوی و عام آن به کار رفته است.

بنابراین پس از بیان تعاریف لغوی و اصطلاحی مفاهیم نفوذ و نفوذ فرهنگی و با تحقیق در قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین (ع)، یافته‌های پژوهش نشان داد که اصطلاح «نفوذ» در قرآن و سنت به طور مستقیم و عیناً به کار نرفته است، اما معادل‌ها و مصادیق آن (در مفهوم عام و هم در مفهوم نفوذ فرهنگی) در آیات و روایات استفاده شده است. بیشترین کاربرد «نفوذ» در مفهوم عام نفوذ دشمن و در مفهوم خاص نفوذ فرهنگی دشمن، در قرآن و سنت، به آیات و روایات مربوط به شیطان، منافقان، کفار و مشرکین و برخی اقوام زمان پیامبران قبل از اسلام، برمی‌گردد.

۷. پیشنهاد و نظریه‌پردازی

بر اساس مستندات این پژوهش، به نظر می‌رسد؛ حکومت‌های اسلامی و ملت‌های مسلمان، ازجمله نظام جمهوری اسلامی ایران که از ویژگی برجسته تقید به دین اسلام و پیروی از کتاب آسمانی قرآن کریم برخوردار هستند، با تدبیر و تأمل در آیات شریف قرآن کریم (خصوصاً آیات استناد شده در این پژوهش)

قادر خواهند بود:

- ۱) درزمینه شناخت دشمن و راهها و شیوه‌های نفوذ آن (به‌ویژه نفوذ فرهنگی) هوشیارتر و آماده‌تر از سایر کشورها عمل کنند.
 - ۲) مانع این نفوذ خطرناک دشمن شوند و با اقدامات پیش‌گیرانه و برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات لازم بر مبنای این کتاب نورانی و سیره معصومین (ع)، به ایمن‌سازی و حفظ جامعه و کشور اسلامی در برابر خطر نفوذ دشمنان اسلام و مسلمین بپردازند.
- برای دستیابی به این هدف، پیشنهاد می‌گردد ارتباط منطقی، مستمر، هوشمندانه و مبتنی بر جهان‌بینی و ایدئولوژی توحیدی، بین کشورهای مسلمان ایجاد گردد. این ارتباط می‌تواند در همه بسترهای فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، امنیتی و... در یک شبکه منسجم برقرار شود.

۸. کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۸ ه.ق)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه، امام علی (ع)، گردآوری: الشریف الرضی، ترجمه: دشتی، محمد، (۱۳۸۵) چاپ هشتم، قم، انتشارات الهادی.
- منابع فارسی:
- آقا بخشی، علی اکبر؛ افشاری راد، مینو، (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی. تهران، چاپار.
- الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۴) چاپ بیست و چهارم، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- انوری، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- باقری چوکانی، سیامک، (۱۳۹۵)، موج چهارم جنگ نرم، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق.
- جبران مسعود، (۱۳۸۰) چاپ سوم، الرائد (فرهنگ القبايلي عربي - فارسي). ترجمه: انزابي نژاد، رضا، مشهد، به نشر.
- جمعی از نویسندگان، (بی تا)، بررسی ابعاد پروژه نفوذ در جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، تفسیر تسنیم، قم، إسرائ.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳) چاپ اول، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹ ه.ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه: خسروی حسینی، غلامرضا، نشر مرتضوی، تهران.
- رفیعی، محسن؛ شریفی، معصومه؛ رفیعی، فاطمه زهرا (۱۳۹۹)، «چرایی دشمنی یهود با جبرئیل علیه السلام با تأکید بر آیه ۹۷ سوره بقره». مطالعات تفسیری، سال ۱۱، زمستان ۹۹، شماره ۴۴: ۱۸۵-۲۰۶.
- زارعی، سعد الله، (۱۳۹۵)، «بزنگاه‌های نفوذ دشمن»، پایگاه جامع تبیینی نفوذ، Nofooz.ir
- ساقی، سید ابوالفضل، (۱۳۹۸)، «موساد و شگردهای جذب جاسوس»، سایت جامع پژوهش‌های حقوق و ادیان، www.Bjes.ir, Taqrib.ir
- سایت علمی معاونت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (۱۳۹۴)، «جهنمی از نفوذ و سلطه».
- سعیدی شاهرودی، علی، (۱۳۹۵)، جریان شناسی نفوذ در انقلاب‌ها، قم، زمزم هدایت.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، چاپ پنجم، ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه: موسوی، محمدباقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، حسین، مصحح: رسولی، هاشم، محقق: مفتاح، محمد، تهران، فراهانی.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، راه رشد.

- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 - قرشی بنایی، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
 -،، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 - معین، محمد، (۱۳۸۶)، چاپ چهارم، فرهنگ معین. تهران، ادنا، کتاب راه نو.
 - مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ ه.ش) ترجمه تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
 - مکارم شیرازی و همکاران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 - مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، (۱۳۹۳) چاپ اول، جنگ نرم ایران و آمریکا، تهران.
- منابع عربی:
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ه.ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
 - ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب، بیروت، دار صار.
 - الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (ط- الإسلامیه)، محقق: غفاری، علی‌اکبر؛ آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیه.
 - سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۰۴ ه.ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
 - عبّاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ه.ق)، تفسیر العبّاشی، محقق: رسولی، هاشم، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
 - طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ه.ق)، چاپ چهارم، تهذیب الأحکام، تحقیق: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 -،، (۱۳۹۰ ه.ق)، الإمتیصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیق: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 - مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه.ق) بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 - مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۳۰۶ ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس. دارالمکتب الحیاه.
 - مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

